

تاثیرپذیری بازرگانی داخلی از شاخص‌های نهادی اقتصاد بازرگانی

محمدرضا رضائی^۱، منصوره علیقلی^{۲*}

^۱ کارشناس ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

^۲ دانشیار گروه آموزشی مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۰۸

چکیده

در جوامع امروزی، در مورد نقش موثر دولت در سیستم اقتصادی، تردیدی وجود ندارد. در هر سیستم اقتصادی دولت و بازار فرآیندهای اقتصادی را تنظیم و هدایت می‌کنند. سیستم اقتصادی، علاوه بر دولت و بازار، یک عنصر مهم دیگر را نیز در بر دارد: بستر نهادی. بستر نهادی، در واقع حلقه واسط میان دولت و بازار است؛ لذا هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی جایگاه نهادها (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) بر حجم بازرگانی داخلی در اقتصاد ایران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف در فضای نرم افزار XLSTAT با روش PLS اقدام به اولویت بندی نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر حجم بازرگانی داخلی نمودیم. نتایج حاکی از این واقعیت بود که به ترتیب نهادهای سیاسی، نهادهای اجتماعی و اقتصادی دارای بالاترین سهم اثرگذاری بر حجم تجارت داخلی می‌باشند. بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل، به ترتیب شاخص نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به میزان ۰/۴۲، ۰/۳۷۹ و ۰/۴۳۵ درصد بر حجم تجارت داخلی تأثیر معنادار داشتند. بر این اساس با توجه به تأثیر منفی شاخص نهادهای سیاسی بر حجم تجارت داخلی، پیشنهاد می‌گردد سیاست‌های گسترش دولت الکترونیک جهت کنترل فساد و شفاف شدن فعالیت‌های در راستای کار سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گیرد.

کلمات کلیدی: نهاد، بازرگانی داخلی، نهاد سیاسی، نهاد اجتماعی، نهاد اقتصادی، PLS

*- نویسنده مسئول: Email: m.aligholi@yahoo.com

مقدمه

در جوامع امروزی، در مورد نقش موثر دولت در سیستم اقتصادی، تردیدی وجود ندارد. در هر سیستم اقتصادی دولت و بازار فرآیندهای اقتصادی را تنظیم و هدایت می‌کنند. سیستم اقتصادی، علاوه بر دولت و بازار، یک عنصر مهم دیگر را نیز در بر دارد: بستر نهادی. بستر نهادی، در واقع حلقه واسط میان دولت و بازار است و این بستر نهادی است که نحوه تعامل و حد و مرزهای دولت و بازار را تعیین می‌نماید. هدف اصلی تحقیق حاضر تعیین جایگاه نهادهای مختلف در تعیین عملکرد اقتصادی اقتصاد ایران است. از طرفی دیگر چون نهادها مفهوم گسترده‌ای دارند؛ که مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیر عقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی‌اند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را تشکیل داده‌اند، بررسی آن‌ها پیچیده است.

متخصصان باید بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شوند (نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). قانون اساسی یک کشور نمونه‌ای از نهادهای سیاسی است که در آن ساختار کلی از نهادهای سیاسی تعریف شده است. نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهای اقتصادی خود توسط نهادهای سیاسی و به طور کلی‌تر توسط نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند. به طور ویژه در ارتباط با توزیع منابع تضاد منافی وجود دارد و تا حدی در مورد نهادهای اقتصادی. یک عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است که خود آن به طور معنی‌داری توسط ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌گردد. اینکه چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد چه کسی قدرت سیاسی را برای ایجاد یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار دارد. آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل، درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی در یک جامعه است که در شکل دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند.

لذا هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی جایگاه نهادها (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) بر حجم بازرگانی داخلی در اقتصاد ایران می‌باشد. برای دستیابی به این هدف از روش حداقل مربعات جزیی در این تحقیق استفاده خواهد شد. مقاله حاضر در ۵

بخش تدوین شده است. بعد از بخش اول که بدان پرداخته شد، در بخش دوم مبانی نظری و وضعیت شاخص‌های نهادی در ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. در بخش سوم مدل و روش تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش چهارم اقدام به برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج خواهیم نمود. در نهایت در بخش پنجم اقدام به جمع بندی نتایج و ارائه پیشنهادات سیاستی خواهیم نمود.

مبانی نظری

نهادهای سه وظیفه مهم در هر اقتصادی بر عهده دارند:

۱- موجب هدایت اطلاعات درباره شرایط بازار، کالاها و مشارکت‌کنندگان در بازار می‌شوند. جریان مناسب اطلاعات به بنگاه‌ها در شناسایی الگوها و فعالیت‌های پربازده و نیز ارزیابی اعتبار آن‌ها کمک می‌کند. این اطلاعات همچنین به دولت‌ها برای تنظیم مقررات مناسب کمک می‌کنند. در نتیجه، نهادها می‌توانند بر تولید، جمع‌آوری، تحلیل، بازبینی و توزیع یا خودداری از توزیع اطلاعات و دانش برای مشارکت‌کنندگان در درون و میان جوامع و بازارها تأثیر بگذارند.

۲- نهادها حقوق مالکیت و قراردادهای را تعریف کرده و تعیین می‌کنند که چه کسی باید چه چیزی را و چه زمانی کسب کند. آگاهی افراد جامعه در مورد حقوق خود در زمینه دارایی‌ها و درآمدهایشان و توانایی حفظ این حقوق از جمله حقوق بخش خصوصی نسبت به دولت برای توسعه بازار بسیار با اهمیت است.

۳- موجب افزایش یا کاهش رقابت در بازارها می‌شوند. درجه رقابت همچنین موجب تحریک نوآوری و رشد اقتصادی خواهد شد. اگرچه برخی از نهادها رقابت را تسهیل می‌کنند، نهادهای دیگر مانع از آن می‌شوند. با برقراری محدودیت‌های قانونی فراوان برای ورود به بنگاه‌های جدید بازار، دولت‌ها می‌توانند مانع از رقابت شوند و با سازماندهی فعالیت‌های بازار در اطراف یک گروه محدود از مشارکت‌کنندگان فرصت‌های پیش روی این گروه حتی با وجود این که رقابت سخت‌تر شده است، ممکن است افزایش و فرصت‌های افراد خارج از گروه کاهش یابد (امامی، ۱۳۸۷).

به رغم آن که ادبیات اقتصادی به طور عمده بر نهادهای دولتی معطوف گشته است، نهادهای بخش خصوصی در خلق ثروت نقش مهمی بر عهده دارند. اقتصاد هر کشور، از بنگاه‌هایی منتفع می‌گردد که با صداقت اداره می‌شوند و مدیران آن‌ها در

تعامل با دولت، سایر بنگاه‌ها و جامعه به اصول اخلاقی پایبند هستند. شفافیت برای فعالیت بنگاه‌های بخش خصوصی مؤلفه‌ای لازم‌الاجرا است (دارون و یوهانسون^۱، ۲۰۰۴). الیور ویلیامسون پیچیدگی بسیار زیاد نهادها و نیز کنار گذاشتن نهادها توسط نئوکلاسیک‌ها را عامل اصلی دانش ناکافی در مورد نهادها می‌داند. وی برای به دست آوردن چشم‌انداز کلی چهار سطح تحلیل اجتماعی را معرفی می‌نماید:

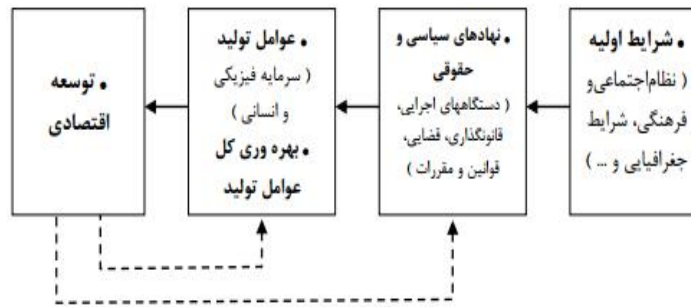


نمودار ۱- سطوح تحلیل اجتماعی اقتصاد نهادگرایی

منبع: ویلیام و مایا، ۲۰۰۰

تغییرات در سطح اول بسیار کند صورت گرفته و ممکن است قرن‌ها و یا یک هزاره به طول انجامد. از سطح دوم بانام محیط نهادی یاد می‌شود. ساختارهای مشاهده شده در این سطح محصول فرآیندهای تکاملی هستند. با گذر از محدودیت‌های غیررسمی (بایدهای مذهبی، رسوم، سنت‌ها و معیارهای رفتاری) به سطح قواعد رسمی یعنی قوانین اساسی، قوانین عادی و حقوق مالکیت می‌رسیم. سطح سوم نهادهای اعمال مدیریت می‌باشد. در سطح چهارم تحلیل نوکلاسیک کارآمد است. در این سطح از ابزار بهینگی و عمدتاً تحلیل نهایی استفاده می‌شود و بدین منظور بنگاه به طور نوعی درمقام یک تابع تولید توصیف می‌شود. اقتصاد نهادگرایی جدید به طور عمده با سطوح دوم و سوم درگیر است (ویلیام و مایا^۲، ۲۰۰۰). بر اساس این دیدگاه نحوه اثرگذاری نهادها بر اقتصاد و توسعه اقتصادی به صورت نمودار ۲ است:

1- Daron & Johanson.
2- William, A. & Maya.



نمودار ۲- سازوکار نحوه اثرگذاری نهادها بر اقتصاد

منبع: ویلیام و مایا، ۲۰۰۰

جایگاه نهادها در ایران

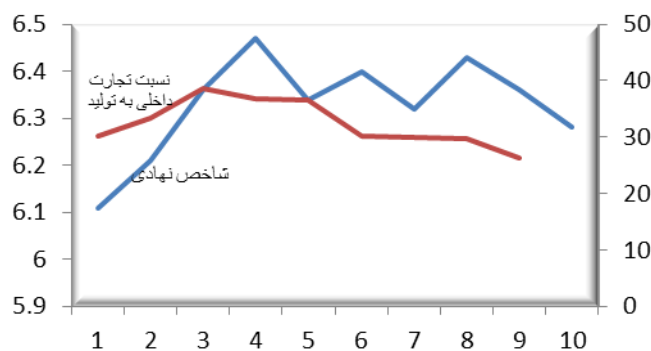
در رتبه‌بندی مجمع جهانی اقتصاد درباره رقابت‌پذیری اقتصاد کشورهای جهان، ایران از میان ۱۳۹ کشور در رتبه ۶۹ ام در سال ۲۰۱۳ قرار گرفته است. مجمع جهانی اقتصادی برای ارزیابی این شاخص، بیش از ۱۱۰ متغیر مختلف را در ۱۲ رکن اندازه‌گیری و مقایسه می‌کند. نزدیک به دو سوم از متغیرها با نظرسنجی از مدیران بنگاه‌های اقتصادی و یک سوم هم با اتکا بر داده‌های آماری رسمی کشورها ارزیابی می‌شوند. بر این اساس در ارزیابی رقابت‌پذیری کشورهایی که دارای نظام اقتصادی مبتنی بر عوامل تولید هستند، متغیرهای اثرگذار بر نهادهای اقتصادی، زیرساخت‌ها، ثبات در سیاست‌های کلان اقتصادی و بهداشت و آموزش مقدماتی جدی‌تر سنجیده می‌شود و در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر کارایی، عوامل موثر بر افزایش کارایی نظیر آموزش عالی و حرفه‌ای، کارایی بازار کالا، کارآمدی بازار نیروی کار، پیشرفته بودن بازارهای مالی آمادگی تکنولوژیکی و اندازه بازار، عمیق‌تر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر اساس سطح‌بندی مجمع جهانی اقتصاد، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر نوآوری متغیرهایی چون پیشرفته بودن بنگاه‌های تجاری و مولفه‌های نوآوری محاسبه می‌شوند؛ البته هر یک از متغیرهای یاد شده شامل متغیرهای دیگری هم می‌شوند که در نتیجه محاسبه آن‌ها شاخص رقابت‌پذیری هر کشوری به دست می‌آید. ارتباط مابین نهادها و تجارت داخلی در ایران در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱- نسبت تجارت داخلی به تولید (TR/Y) طی دهه اخیر

۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
۳۱۸۸۲۰	۴۰۱۷۶۵	۴۷۴۹۸۳	۵۴۴۲۴۹	۶۸۵۴۵۲	۹۵۷۳۷۱	۹۴۹۳۵۴	۱۱۴۶۹۱۷	۱۵۲۳۳۰۴
۹۴۷۴۵۲	۱۲۰۴۷۰۶	۱۶۵۳۹۹۶	۲۰۲۹۱۸۶	۲۵۸۳۶۴۶	۳۰۶۱۵۵۴	۳۱۷۷۲۳۸	۳۸۰۱۸۰۳	۵۵۸۸۶۰۳
۳۳/۶۵	۳۳/۳۵	۲۸/۷۲	۲۶/۸۲	۲۶/۵۳	۲۱/۲۷	۲۹/۸۸	۲۹/۷۸	۲۷/۲۶

منبع: بانک مرکزی، گزارش‌های مختلف مربوط به شاخص‌های عمده اقتصادی

در نمودار ۳، رابطه میان نسبت تجارت داخلی به تولید با وضعیت شاخص نهادی در بازه زمانی دهه گذشته به تصویر کشیده شده است. بر اساس نمودار کاملاً مشهود است، سال‌هایی که شاخص نهادی با رشد مداوم روبرو بوده نسبت تجارت داخلی به تولید نیز افزایش یافته است و در سال‌هایی که وضعیت این شاخص چندان مناسب نبود میزان نسبت تجارت داخلی به تولید نیز کاهش یافته است. در نتیجه می‌توان بیان داشت مابین شاخص نهادی و تجارت داخلی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد.



نمودار ۳- رابطه میان نسبت تجارت داخلی به تولید با وضعیت شاخص نهادی

منبع: بانک مرکزی، گزارش مجمع جهانی تهیه شده توسط اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

نهادهای حلقه گمشده توسعه ایران

برخورد اقتصاد ایران با توسعه به صورت دوگانه است. باید توجه داشت که توسعه یا تمدن صنعتی و اساساً هر تمدنی دارای دو نوع دستاوردهای مادی و معنوی است. در کشور پیش‌شرط‌های مادی و فیزیکی توسعه به مراتب بیش از پیش‌شرط‌های

غیرملموس آن درک شده‌اند. کشورهای در حال توسعه به جای درک ماهیت و ریشه‌ی توسعه عمدتاً فرایند توسعه را فرایندی مکانیکی دیده‌اند. به عنوان مثال اگر کشورهای توسعه‌یافته کارخانه، دانشگاه، مدرسه، خیابان، ساختمان جدید، اتومبیل، راه آهن، فرودگاه، نیروی برق و... دارند، کشورهای در حال توسعه پنداشته‌اند؛ اگر این اجزا را در کنار هم قرار دهند توسعه حاصل خواهد شد. به عبارتی اساس و بنیانی که ایجادکننده‌ی توسعه باشد، را درک ننموده‌اند. در نتیجه لازم است در کشور شناخت مجددی از اندیشه‌ها و بصیرت‌های اساسی و صحیح و بازهضم آن‌ها متناسب با شرایط جامعه‌ی کشور، رخ دهد و به تناسب آن‌ها اقدام به ساختن نهادهایی متناسب با این باورها و اندیشه‌ها بنماییم. وضعیت شاخص‌های تشکیل دهنده نهادها در سال ۲۰۱۳، به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲- مقایسه‌ی متغیرهای تشکیل دهنده نهادها

رتبه جهانی	امتیاز	متغیر	ردیف
نهادهای اجتماعی			
۶۵	۴/۳	حقوق مالکیت دارایی‌ها	۱
۱۲۲	۲/۸	حقوق مالکیت فکری	۲
۷۵	۳/۲	فساد اداری و اختلاس	۳
۷۳	۳/۸	رشوه خواری	۴
۶۶	۴/۳	قابلیت اعتماد به پلیس	۵
۸۲	۳/۸	اخلاق کسب و کار	۶
۱۱۷	۴/۶	هزینه‌های تروریسم بر کسب و کارها	۷
۹۴	۴/۲	هزینه‌های خشونت و خرافکاری برای کسب و کار	۸
۳/۸۷		میانگین	
نهادهای سیاسی			
۱۲۳	۲/۸	دست و پا گیر بودن مقررات دولتی	۹
۹۱	۳/۴	کارآمدی چارچوب قانونی برای حل و فصل دعاوی بخش خصوصی	۱۰
۱۲۴	۲/۷	کارآمدی چارچوب قانونی به چالش کشیدن و پیگرد حقوقی تصمیمات دولت	۱۱
۱۳۱	۴/۶	شفافیت در سیاست‌گذاری دولت	۱۲
۷۴	۳/۲	هدر رفتن منابع توسط دولت	۱۳
۵۲	۳/۴	نقش روابط در تصمیم‌گیری‌های دولتی	۱۴
۷۳	۳/۷	استقلال قوه قضاییه	۱۵
۴۷	۳/۳	اعتماد عمومی به سیاستمداران	۱۶
۱۰۵	۴/۴	جرایم سازمان یافته	۱۷
۳/۵		میانگین	
نهادهای اقتصادی			
۱۰۵	۴	قوی بودن استانداردهای حسابداری در جهت تهیه گزارشات مالی	۱۸
۱۱۹	۴	اثر بخشی سهامداران و هیأت مدیره‌ی شرکت‌ها	۱۹
۱۰۴	۳/۷	حفاظت از سهامداران خرد	۲۰
۱۲۳	۳/۷	حمایت از سرمایه‌گذاران	۲۱
۳/۸۵		میانگین	

منبع: گزارش مجمع جهانی ۲۰۱۳، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

بر اساس اطلاعات جدول ۲، مشاهده می‌گردد؛ هیچکدام از نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. بر اساس نتایج این جدول بزرگترین مشکلات نهادی در اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۳ به حقوق مالکیت فکری و دست و پا گیر بودن مقررات دولتی کارآمدی چارچوب قانونی برای به چالش کشیدن و پیگرد حقوقی تصمیمات دولت، اشاره دارد. بر اساس نتایج حاصل از جدول ۲ و با محاسبه میانگین‌های شاخص‌های نهادی می‌توان نتیجه گرفت به ترتیب نهادهای سیاسی با میانگین ۳/۵ از ۱۰؛ نهادهای اقتصادی با میانگین ۳/۸۵ از ۱۰، و نهادهای اجتماعی با میانگین ۳/۸۷ از ۱۰ بالاترین تأثیر را در کاهش رتبه نهادی ایران را دارد.

پیشینه تحقیق

مطالعات فراوانی در زمینه‌ی تأثیر نهادهای حاکمیتی بر تجارت و به طور کلی بر اقتصاد صورت گرفته که تأثیرگذار بودن نهادها را تایید می‌کنند. اندرسن^۱ (۲۰۰۱)، اندرسن و مارکویلر^۲ (۲۰۰۲)، گانی و پرساد^۳ (۲۰۰۶)، دی گروت^۴ و دیگران (۲۰۰۴) و لوچینکو^۵ (۲۰۰۴) مطالعاتی هستند که تأثیر نهادهای حاکمیتی بر تجارت را تایید می‌کنند، همچنین مطالعات فراوانی نیز در زمینه‌ی تأیید تأثیرگذاری نهادها بر سایر بخش‌های اقتصادی می‌باشد. رولفسما و ژانگ^۶ (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر علی کیفیت نهادی بر برون سپاری پرداخته‌اند، لی و فیلر^۷ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای به بررسی تأثیر محیط حکمرانی در انتخاب شیوه‌ی سرمایه‌گذاری و پیامدهای استراتژیک پرداخته‌اند، گانی و دونکن^۸ (۲۰۰۷) از چهار شاخص، حاکمیت قانون، کارایی و اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، توسعه و پیشرفت‌های اجتماعی برای ارزیابی حکمرانی خوب استفاده نمودند، دیانگ و ادو^۹ (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر فساد بر تجارت جهانی پرداخته‌اند، ویرمانی، ساهو و تانوار^{۱۰} (۲۰۰۶) در مقاله‌ای موضوع حکمرانی در ارائه

-
- 1- Anderson
 - 2- Anderson & Marcouiller
 - 3- Gani & Prasad
 - 4- De Groot
 - 5- Levchenko
 - 6- Roelfsema & Zhang.
 - 7- Li & Filer
 - 8- Gani & Duncan.
 - 9- De Jong & Udo
 - 1- Vermani, Sahu & Tanwar

کالاهای عمومی در آسیای جنوبی را مورد بحث قرار داده است، رودریک و همکاران^۱ همکاران^۱ (۲۰۰۲) به بررسی اولویت نهادها بر جغرافیا و یکپارچه‌سازی در توسعه اقتصادی پرداخته‌اند، وارد و ویجایاراخاون^۲ (۲۰۰۱) به مقاله‌ای با عنوان نهادها و رشد اقتصادی: شواهد تجربی از یک ارزیابی بین‌کشوری پرداخته‌اند.

اگیور ۲۰۱۱؛ نشان داد که کیفیت پایین نهادهای قراردادی، منجر به کاهش انباشت سرمایه و رشد بهره‌وری کل عوامل تولید می‌شوند. این تأثیر بستگی به شکاف بین تولید فعلی و سطح پایدار آن دارد؛ اما تأثیر نهادهای حقوق مالکیت بر تولید، پیش شرط دیگری ندارد.

آلوارو اگیور (۲۰۱۱) و ترو (۲۰۱۰)، نشان داده‌اند که کیفیت بالاتر نهادهای حقوق مالکیت باعث افزایش درآمد سرانه می‌شود اما کیفیت بالاتر نهادهای قراردادی درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. وی موضوع را اینگونه می‌توان تفسیر کرد که با پیچیده‌تر شدن قراردادهای کالاهای با ارزش افزوده بالاتر مبادله می‌شوند و در نتیجه تعداد مراحل قانونی برای حل و فصل مخاصمات افزایش می‌یابد.

دادگر و همکاران ۱۳۹۳؛ در تحقیقی تحت عنوان تأثیر نهادهای حقوق مالکیت و نهادهای قراردادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر ایران با استفاده از روش، حداقل مربعات دو مرحله‌ای (و رویکرد سلسله مراتبی نهادها به عنوان متغیر ابزاری) به شکل برش مقطعی به این نتایج دست یافت که نهادهای حامی حقوق مالکیت بر تولید ناخالص سرانه در اکثر گروه‌ها تأثیرگذار هستند اما نهادهای اجرای قراردادهای نمونه جهانی و بیشتر گروه‌های مختلف کشورها تأثیری ندارند.

علی طیب‌نیا، حمید زمان‌زاده، مهدیه شادرخ ۱۳۹۴، در تحقیقی تحت عنوان «نقش نهادها در بروز مصیبت یا موهبت منابع نفتی، یک الگوی رانت‌جویی با رویکرد تعادل عمومی تصادفی پویا» با استفاده از تحلیل نظری و الگوسازی تجربی سازوکار اثرگذاری درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصاد ایران به عنوان یک اقتصاد نفتی است. این پژوهش یک الگوی تعادل عمومی تصادفی پویای نوکینزی را برای الگوسازی سازوکار انتشار تکانه‌های نفتی در کوتاه‌مدت و بلندمدت در اقتصاد ایران ارائه می‌دهد. در این الگو بر کانال‌های مهم اثرگذاری درآمدهای نفتی بر عملکرد اقتصادی شامل عرضه کالای عمومی، رانت‌جویی و تغییر نهادی تأکید می‌شود.

2- Rodrik, Subramanian & Trebbi

3- Ward & Vijayaraghavan

کریم آذربایجانی، همایون رنجبر، پروین قدوسی دهنوی ۱۳۹۲؛ در تحقیقی تحت عنوان «تأثیر نهادهای حاکمیتی بر تجارت کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی» با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی، به بررسی تأثیر شاخص نهادهای حاکمیتی همچون شاخص‌های حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و کنترل فساد، بر تجارت منتخبی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) در طول دوره زمانی ۱۹۹۶-۲۰۱۱ می‌پردازد. نتایج حاصل از تخمین مدل‌ها تایید کننده تأثیرگذاری نهادهای حاکمیتی بر تجارت کشورهای مورد بررسی در این مطالعه می‌باشد. بدین صورت که شاخص‌های کیفیت قوانین، اثربخشی دولت و کنترل فساد تأثیر مثبت و معنادار و شاخص حاکمیت قانون دارای تأثیر منفی و معناداری بر تجارت کشورهای مورد بررسی می‌باشد. سایر شاخص‌های مورد بررسی نظیر، تولید ناخالص داخلی سرانه، تولید ناخالص داخلی سرانه شرکای تجاری و تکنولوژی تأثیر مثبت و معنادار بر تجارت داشته و شاخص سیاست تجاری نیز مثبت و معنادار است.

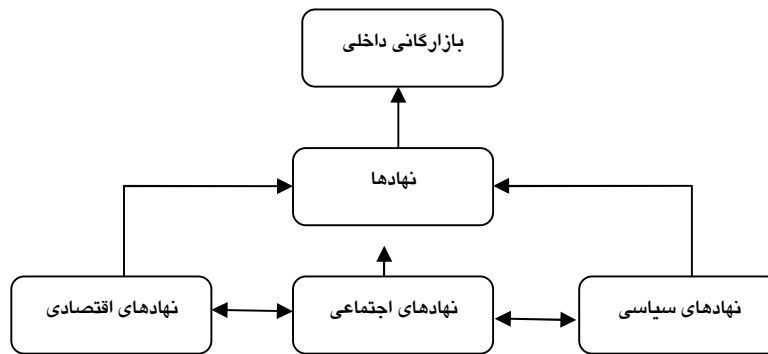
محمدی ۱۳۹۱؛ در یک طبقه‌بندی، نهادها را به چهار گروه مختلف، نهادهای خالق بازار، نهادهای تنظیم‌کننده بازار، نهادهای تثبیت‌کننده بازار و نهادهای مشروعیت بخش به بازار تقسیم نموده است. وی با استفاده از روش اقتصادسنجی GMM پانل دیتای پویا، تأثیر هر یک از این نهادهای مختلف را بر سطح رشد اقتصادی در سطح جهانی برای دو دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ و ۱۹۹۵-۲۰۰۹ آزمون شده و نتایج به دست آمده، حاکی از آن است که، نهادهای خالق بازار و نهادهای تثبیت‌کننده بازار بر تولید ناخالص سرانه تأثیرگذارند؛ اما تاثیرگذاری دو نوع نهاد دیگر بر رشد اقتصادی در سطح جهانی محل تردید می‌باشد.

روش تحقیق و برآورد مدل

تحقیق حاضر از لحاظ هدف در حوزه تحقیقات کاربردی است که سعی دارد به بررسی تأثیر نهادهای مختلف بر حجم تجارت داخلی بپردازد. بر این اساس مدل اصلی تحقیق حاضر به صورت زیر است:

$$y_t = f(X_1, X_2, \dots, X_{21})$$

که در آن Y متغیر وابسته و بیانگر حجم بازرگانی داخلی و متغیرهای توضیحی X بیانگر شاخص‌های نهاد سیاسی، نهاد اجتماعی و نهادهای اقتصادی است. بر اساس مبانی نظری و تحلیل‌های تجربی مدل مفهومی تحقیق حاضر به صورت زیر قابل ارائه است:



نمودار ۳- مدل مفهومی تحقیق

رویکرد PLS یا حداقل مجزورات جزئی، به عنوان نسل دوم روش‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری افق‌های نوینی را بر روی محققان علوم رفتاری گشوده است. با ارائه رویکرد مدل‌سازی متغیر پنهان، این نتیجه حاصل می‌گردد که با محاسبه خطای اندازه‌گیری در مقیاس‌هایی که روابط برآورد شده را تقلیل می‌دهد، می‌تواند تخمین‌های دقیق‌تری از اثرات متقابل را بدست آورد. در مدل‌های PLS دو مدل آزمون می‌شود:

▪ مدل‌های بیرونی

▪ مدل‌های درونی

مدل بیرونی^۱ مشابه اندازه‌گیری (CFA) و مدل درونی^۲ مشابه تحلیل مسیر در مدل‌های معادلات ساختاری است. پس از آزمون مدل بیرونی لازم است تا مدل درونی که نشانگر ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش است، ارائه شود. با استفاده از مدل درونی می‌توان به بررسی فرضیه‌های پژوهش مدل پرداخت:

1- Outer Model

2- Inner Model

مدل معادلات ساختاری = تحلیل عامل تأییدی + تحلیل مسیر

حداقل مربعات جزئی = مدل درونی + مدل بیرونی

برآورد مدل تأثیر نهادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر حجم تجارت داخلی

مدل اصلی تحقیق حاضر به صورت زیر است:

$$y_t = f(X_1, X_2, \dots, X_{21})$$

که در آن Y متغیر وابسته و بیانگر حجم تجارت داخلی و متغیرهای توضیحی X بیانگر عوامل موثر بر شاخص‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

در ابتدای امر مدل اولیه با ۲ مولفه تخمین زده شده است، با بررسی آمارهای آزمون که در جدول ۳، ارائه شده است مشخص می‌باشد که از مولفه ۲ام به بعد، سطح توضیح دهنده مولفه‌های ترکیبی کاهش یافته است. شاخص محاسباتی Q^2 کیفیت پیش‌بینی مدل‌های برآوردی را نشان می‌دهد و مقدار آن در حالت ایده‌آل برابر با یک می‌باشد؛ که در جدول (۳)، مقدار آن برای هر دو مولفه برآوردی ۰/۹۹۵ و ۰/۹۹۶ می‌باشد که بیانگر کیفیت بالای مولفه‌های برآوردی است:

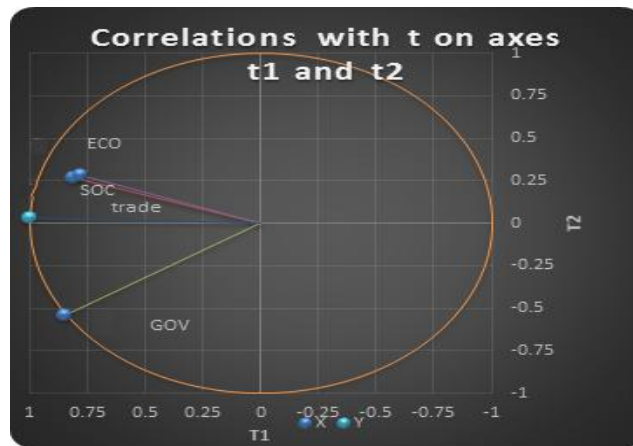
جدول ۳- آمارهای Q^2 با اجزاهای مختلف

شاخص	ترکیبی ۱	ترکیبی ۲
$Q^2 \text{ cum}$	۰/۹۹۵	۰/۹۹۶
$R^2Y \text{ cum}$	۰/۹۹۵	۰/۹۹۶
$R^2X \text{ cum}$	۰/۶۵۶	۰/۸۰۴

منبع: محاسبات محقق

خلاصه‌ای از نتایج PLS مدل در مرحله اول به صورت زیر است. نمودار ۹، همبستگی متغیر عملکرد بازار را با دو مولفه برآوردی نشان می‌دهد. هر گاه بردارها به مرکز دایره فوق نزدیک‌تر باشد میزان همبستگی مابین حجم تجارت داخلی و مولفه‌ها کم‌تر خواهد بود، همانطور که مشاهده می‌شود همبستگی متغیر حجم تجارت داخلی (نقطه آبی) با مولفه یک و دو در سطح بالایی قرار دارد. به علاوه تعدادی از متغیرهای مستقل مدل که همبستگی کمی با مولفه‌های برآوردی دارند به مرکز دایره نزدیک‌تر

هستند. به بیان دیگر متغیرهایی که به مرکز دایره نزدیک‌تر هستند توانایی توضیح دهندگی علت تغییرات در حجم تجارت داخلی را ندارند.



نمودار ۴- همبستگی متغیر مدل را با مولفه‌های برآوردی

منبع: محاسبات محقق

بر اساس نتایج نمودار ۴، متغیر GOV (نهادهای سیاسی) بالاترین ضریب همبستگی را با حجم تجارت داخلی دارد و متغیر SOC (نهادهای اجتماعی) دارای کمترین درجه همبستگی است.

در مرحله بعد لازم است علاوه بر میزان همبستگی مابین متغیرهای توضیحی و شاخص حجم تجارت داخلی؛ اقدام به محاسبه میزان سهم اثرگذاری هر شاخص در حجم تجارت داخلی بنماییم. بر این اساس در جدول ۴؛ اقدام به رتبه‌بندی نهادهای ۳ گانه موثر بر حجم تجارت داخلی نموده‌ایم:

جدول ۴- متغیرها به ترتیب سهم اثرگذاری بر حجم تجارت داخلی

متغیر	VIP	انحراف استاندارد	پایین ترین سهم (٪۹۵)	بالاترین سهم (٪۹۵)
نهادهای سیاسی	۱/۰۱۹	۰/۰۲۸	۰/۹۶۵	۱/۰۷۲
نهادهای اجتماعی	۱/۰۰۶	۰/۰۰۹	۰/۹۸۹	۱/۰۲۳
نهادهای اقتصادی	۰/۹۷۵	۰/۰۲۶	۰/۹۲۳	۱/۰۲۷

منبع: محاسبات محقق

بر اساس نتایج تخمین مدل متغیر GOV (نهادهای سیاسی) دارای بالاترین سهم در توضیح‌دهندگی تغییر حجم تجارت داخلی دارد. در ادامه به بررسی میزان ارتباط میان متغیرهای تحقیق پرداخته می‌شود.

جدول ۵- برآورد مدل حجم تجارت داخلی

متغیر	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	آماره t	پایین ترین سهم (%۹۵)	بالا ترین سهم (%۹۵)
نهادهای سیاسی	-۰/۴۳۵	۰/۰۳۳	-۱۳/۰۷۷۲۷	۰/۳۷۰	۰/۵۰۰
نهادهای اجتماعی	-۰/۳۷۹	۰/۰۲۵	۱۵/۴۰۵۵۶	۰/۳۳۱	۰/۴۲۷
نهادهای اقتصادی	۰/۴۲۰	۰/۰۲۰	۲۱/۴۵۹۷۲	۰/۳۸۲	۰/۴۵۹

منبع: محاسبات محقق

۱. شاخص نهادهای اقتصادی ۰/۴۲ درصد بر حجم تجارت داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۲. شاخص نهادهای اجتماعی ۰/۳۷۹ درصد بر حجم تجارت داخلی تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۳. شاخص نهادهای سیاسی ۰/۴۳۵ درصد بر حجم تجارت داخلی تأثیر منفی و معنادار دارد.

جدول ۶- شاخص‌های نیکویی برازش مدل برآوردی حجم تجارت داخلی

شاخص	میزان آماره
R ²	۰/۹۹۶
MSE	۰/۰۰۲
RMSE	۰/۰۴۹

منبع: محاسبات محقق

بر اساس نتایج جدول ۶، مشاهده می‌گردد که ضریب تعیین مدل (۰/۹۹۶) بالا که معیاری جهت نیکویی برازش مدل می‌باشد بالا بوده و شاخص‌های MSE (۰/۰۰۲) و RMSE (۰/۰۴۹) که بیانگر وضعیت خطاهای مدل می‌باشند اندک می‌باشد که این امر به معنای مناسب بودن کیفیت مدل برآوردی است. در نهایت به بررسی نرمال بودن اجزاء اخلاص بر اساس آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در سطح خطای ۵٪ تست می‌کنیم. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی ۰/۰۵ بدست آید، در این صورت

دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود.

جدول ۷- نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های مدل حجم تجارت داخلی

متغیر	آماره Z کولموگروف - اسمیرنوف	سطح معنی داری
حجم تجارت داخلی	۱/۱۳	۰/۲۲

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بستر نهادی، حلقه واسط میان دولت و بازار است. این بستر نهادی است که نحوه تعامل و حد و مرزهای دولت و بازار را تعیین می‌نماید. برای دستیابی به این هدف در فضای نرم افزار XLSTAT با استفاده از روش PLS اقدام به اولویت بندی نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر حجم بازرگانی داخلی در اقتصاد ایران نمودیم. نتایج حاکی از این واقعیت بود که به ترتیب نهادهای سیاسی، نهادهای اجتماعی و اقتصادی دارای بالاترین سهم اثرگذاری بر حجم تجارت داخلی می‌باشند. همچنین بر اساس نتایج حاصل از برآورد مدل، به ترتیب شاخص نهادهای اقتصادی، نهادهای اجتماعی و نهادهای سیاسی به میزان ۰/۴۲، ۰/۳۷۹ و ۰/۴۳۵- درصد بر حجم تجارت داخلی تأثیر معنادار داشتند. بر این اساس با توجه به تأثیر منفی، شاخص نهادهای سیاسی بر حجم تجارت داخلی، پیشنهاد می‌گردد:

- سیاست‌گذاران اقدام به توسعه دولت الکترونیک جهت کاهش حجم و زمان فعالیت‌ها نمایند. این کار علاوه بر کاهش زمان فعالیت‌ها موجب کاهش میزان فساد و شفاف شدن فعالیت‌ها می‌گردد.
- در کشور بودجه ریزی بر مبنای فعالیت گسترش یابد تا از هدر رفتن منابع توسط دولت خودداری گردد.
- به علت بحران‌های سپری شده در کشور، طی سال‌های اخیر مانند تحریم، تورم‌های بالا و نوسان شدید نرخ ارز در کشور، سطح اعتماد عمومی به توانایی‌های دولت کاهش یافته است، بر این اساس لازم است سیاست‌هایی جهت افزایش سطح اطمینان مردم به دولت مورد توجه قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

- 1- Acemoglu, D., Simon, J., and James, R. (2004). institutions as the fundamental cause of long-run Growth. work paper.
- 2- Anderson, J. E. (2001). Trade and informal institutions. Mimeo.
- 3- Anderson, J. E., Marcouiller, D., (2002). Insecurity and the pattern of trade: An empirical investigation. Review of Economics and Statistics. 84(2), May, 342-52.
- 4- Bennedsen, M., Malchow-moller, & vinten, F. (2005). Institutions and Growth- a Literature Survey. Report 2005-1. Center for Economic and Business Research (CEBR).
- 5- Butkiewicz, L. James and Yanikkaya. (2006). Institutional quality and economic growth: maintenance of the rule of law or democratic institutions, or both? Journal of Economic modeling, 23, 648- 661. Available online at www.sciencedirect.com.
- 6- Cass, D. (1965). Optimal growth in aggregative model of capital accumulation. Review of Economic Studies, 32(3), 233-240.
- 7- De Groot, H. (2004). The Institutional Determinants of Bilateral Trade Patterns. Kyklos, 57, 103-124.
- 8- De Jong, E. and Erwin, U. (2006). Is corruption detrimental to international trade. Mimeo, Radbopund University, Nijmegen.
- 9- Dini Turkamani, P. (2012). Review of International Trade Theories. Economic magazine. Monthly Journal of Economic Policy Issues, 2, 104-99.
- 10- Eicher, Theo, and Schreiber, T. (2005). Effects of Institutional Change on Economic Growth: Time Series Evidence from Natural Experiments. University of Washington.
- 11- Emami, S. H. (2008). The Role of Institutions in Economic Development. Quarterly Journal of Economic Research.
- 12- Gagliadi, F. (2007). Institutions and economic change: A critical survey of the new institutional approaches and empirical evidence. The Journal of Socio-Economics, www.sciencedirect.com.
- 13- Gani, A. and Duncan, R. (2007). Measuring good governance using time series data: Fiji islands: Journal of the Asia pacific economy. 12(3), 367-385.
- 14- Gani, A., Prasad, B., & Chand. (2006). Institutional quality and trade in Pacific Countries. Asia-Pacific Research and Training Network on Trade, Working Paper Series.
- 15- Glaeser, L. E., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Sshleifer, A. (2004). Do Institutions Cause Growth?. working paper.
- 16- Hadavand, M. (2005). Good governance, development and human rights. Journal of Basic Law, 3(4), 11-39.
- 17- Haghshenas, M. (2012). Assessing the Level of Good Governance and Urban Competitiveness with Emphasis (CDS). Case Study: Isfahan City. Master's thesis, Isfahan University
- 18- Jafari Samimi A., Azarmand, H. (2004). Effect of institutional variables on economic growth in countries of the world (with emphasis on Iranian economy). Journal of Economics, Science and Development, 3, 36-11.
- 19- Jalilian Hossein, Kirkpatrick Colin and Parker David, 2006, The Impact of Regulation on Economic Growth in developing Countries: A Cross- Country Analysis. World Development vol. 35, no. 1.
- 20- Janine, A. (2000). Growth and Institutions: A Review of the Evidence. the World Bank Research Observer, 15(1).

- 21- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2003). Governance Matters III: governance indicators for 1996-2002. World Bank Policy Research Department Working Paper.
- 22- Kaufmann, D., Kraay, A. & Zoido-Lobaton. (1999). Governance matters, Policy research working paper. 2196, Washington: World Bank.
- 23- Komijani, A., Saltin P. (2010). Effect of Good Governance on Economic Growth in OPEC and OECD Selected Countries. *Economic Modeling Quarterly*, 2(2), 1-24.
- 24- Levchenko, A. (2004). Institutional quality and international trade. IMF Working Paper.
- 25- Li, S., & Filer, L. (2007). The effect of governance environment on the choice of investment mode and the strategic implications. *Journal of world Business*, 42, 80-98.
- 26- Meidari, A. (2006). Introduction to good governance theory. *Journal of Social Welfare Research*, 6(42).
- 27- North, D. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- 28- North, D. C. (1998). *Institutions, Institutional Transformations and Economic Performance*. Translation by Mohammad Reza Moeini, Tehran: Planning and Budget Organization.
- 29- North, D. (1999). *Institutions. institutional changes and economic performance*. Publication of Management and Planning Organization, Second Edition.
- 30- Polterovich, V. and popov, V. (2006). Democratization, quality of institutions and economic growth. Working paper.
- 31- Porter, M. A. (2012). *Competitive Advantage of Nations (Diamond Model)*. Translation by Mahdavi Mazdeh M., Mohammadpour F. Jihad Publishing House, First Edition.
- 32- Pourmoghim, S. J. (2011). *International Trade Theories and Business Policies*. Ney Release, Sixth Edition.
- 33- Renani, M., Dalali Esfahani, R., Samadi, A. H. (2010). Presenting a Model for Iran's Economic Growth: Some Institutional Considerations, *Quarterly Journal of Economic Research*.
- 34- Rezaei, M. (2009). Effect of good governance on attracting foreign direct investment in Iran. *Journal of Research and Social Welfare*, 7(26), 85-104.
- 35- Rodrik, D., Arvind, S., & Francesco, T. (2002). Institutions rule: The primacy of institutions over geography and integration in economic development. *Journal of Economic Growth*, 9, 131-165.
- 36- Roelfsema, H., & Zhang, Yi. (2012). The causal effect of institutional quality on outsourcing.
- 37- Sabbagh Kermani, M., Baskah, M. (2008). The role of good governance in improving the functioning of government spending. *Quarterly Journal of Economic Research*. 44, 109-130.
- 38- Sameti, M., Ranjbar H., Mohseni F. (2011). Effect of Good Governance on the Human Development Index Case study. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 4. 223-183.
- 39- Summary of Global Competitiveness Reports, Economic Research and Research Center, 2013.
- 40- Tafazoli, F. *History of Economic Thoughts*. Tehran, Nei, First Printing, 1993, 339.

- 41- The Journal of International Trade & Economic Development, 21(6), 895-920.
- 44- Ward, W. A., & Vijayaraghavan, M. (2000). Institutions and economic growth: empirical evidence from a cross-national analysis. Clemson University.
- 43- Virmani, A., Sahu, S., and Tanwar, S. (2006). Governance In the Provision Of Public Goods In South Asia, Indian Council for Research on International Economic Relation, SANEI, Project no. 4, New Delhi.
- 42- Vijayaraghavan, M., and Ward, A. W. (2005). Institutions and Economic Growth: Empirical Evidence from a Cross- National Analysis. NBER Working paper.